

سراخجام و سرنوشت مستضعفان!

در نبود مستکبر و مستضعف، که همان نبود حق و باطل،
شُرک و توحید، عدل و ظلم است، پیروزی با مستضعفان است

و مشرکانه طبقاتی پدید نمی‌آید و بشریت
امروز نیز، مسانند بشریت ابتدائی، در
همان مرحله «امت واحده (۱)» بسر-

این مطلب واضح است که اگر در بشر،
انحصار طلبی، جاه طلبی، توسعه طلبی
و افزون طلبی نبود، هیچوقت نظام ظالمانه

۱ - اشاره به گفتاری از قرآن: کان الناس امة واحدة (بقره ۲۱۳)

و نیز: و ما کان الناس الا امة واحدة لاختلفوا (یونس ۱۹)

مطابق دو آیه فوق، دورانی بر بشر گذشته که گرفتار تضاد و اختلاف نبوده است.
این عدم تضاد و اختلاف بعلت این بود که هنوز مودم به خدمات متقابل یکدیگر - بواسطه
عدم رشد قوه تفکر و سازندگی - نیاز نداشتند و بنا بر این در میان آنها «استخدام»
نبود و بهمین جهت «استثمار» هم نبود. تفصیل این بحث در کتاب جهان بینی اسلامی
بهمین قلم.

میرد، منتهی «امت واحده» ابتدائی، بخاطر عدم رشد، نه‌استخدام داشت و نه استثمار. اما «امت واحده» کنونی بخاطر رشد علمی و صنعتی، استخدام دارد، ولی استثمار دارد.

یکی از هدف‌های مهم همه قیام‌ها، مبارزه‌ها، حماسه‌ها، شهادت‌ها و بالاخره بعثت و دعوت پیامبران، غیر از این نیست که اختلاف طبقاتی ریشه کن شود و بشریت بتواند ضمن ترقی و پیشرفت در همه ابعاد تکنیک و صنعت و کشاورزی و استفاده کامل از همه نیروهای انسانی، در حد اعلای «وحدت» بسر برد و گرفتار نظام «دیوان سالاری» و «استعمار» و «استثمار» و «استبداد» و «پوروکراسی» و «الیگارشی» و «فاشیسم» و «آنارشیزم» و هر چه از آثار و لوازم شوم «استکبار» و «استضعاف» است، نباشد. البته، فرستادگان خدا و آورندگان «کتاب آسمانی» رسیدن به چنین «وحدتی» را تنها از راه پناه آوردن به «مکتب توحید» ممکن می‌دانند. لکن رهبران و سران دیگر نهضت‌ها و جنبش‌ها اعتماد و اعتقادشان به مکتب‌های دیگر است. تجربه و گذشت زمان، اثبات می‌کند که حق با آنهاست نه اینها!

انگیزهای استکبار

اگر حرص و آزمندی نبود، اگر هر کس به حق خود قانع بود، اگر هیچکس از حد و مرز خویش تجاوز نمی‌کرد، دنیای ما به گونه‌ای نبود که یکی از روزنامه‌ها درباره آن چنین بنویسد: «هر سال ۴۰ میلیون انسان از گرسنگی می‌میرند تا آمریکائی مرفه بتواند هفت برابر انسان‌های دیگر کالا و خدمت، مصرف نمایند! (۲)

آری اینهاست علل و عوامل اینکه، عده‌ای زورمند از امکانات و قدرت خود سوء استفاده میکنند و از راه «زور» و «زر» و «تزویر» گروه انبوهی از مردم را به دام «استضعاف» گرفتار و باظلمها و تبعیض‌ها و حق‌کشیها روی تاریخ راسپاه میکنند.

تزویر و نیرنگ مستکبران در راه به زنجیر کشیدن آنها که از آگاهی و قدرت، محرومند، تنها یک رشته نیست و یک راه ندارد بلکه رشته‌ها و راه‌ها دارد. اولین کوشش آنها از راه تحقیق است و چون معلوم است همه مردم تحقیق پذیر نیستند، باید فشار و تهدید و شکنجه و محاصره اقتصادی و زد و بندها و قتل

و کشتار و زندان و تبعید هم باشد. فرمول کار مستکبران، همین است!

طرز کار مستکبران

اگر نظری به طرز کار استکبار در مملکت خودمان، در دوران قبل از پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب بیفکنیم بخوبی بی میبریم که مستکبران چگونه از هر دو وسیله فوق استفاده کرده و میکنند. آنها از یکسومی کوشند و می کوشیدند - که افکار توده مردم را به مسیرهایی سوق بدهند که به جای پرداختن به ریشه‌ها و علل اصلی بدبختی‌ها به امور فرعی و زاید بپردازند و از سوی دیگر از طریق اعمال زور و فشار و ارعاب، مبارزه را در یک حد بسیار پائین و معمولی متوقف سازند؛ اکنون شایعه پراکنی‌ها بسیار است.

در راه تشدید اختلاف فرقه‌ای و گروهی و حزبی، حداکثر کوشش میشود. ذهن جوانان پاکدل و ساده دل، کاملاً در مسیر انحراف است.

جوانی که تا دیروز در راه پیروزی انقلاب، سر و جان را ارزشی نمیداد، امروز به مسیرهای دیگری کشانده یا سوق داده شده است. از یکسو گرفتار نارسایی‌هایی هستیم. نارسایی‌هایی که با زائیده نظام طاعون‌ساز است، یا معلول کم‌کاریها و بی‌کاریها و کارشکنیها! از سوی دیگر تبلیغات ضد و نقیض و سمپاشیهای گوناگون!

یکی «شورا» را آنقدر «شور!» میکنند که می‌گویند: حتی برای خوردن با دست راست یا چپ هم باید مشورت کرد و همه چیزها و همه کارها از پائین به بالا، باید «شورائی» باشد!

دیگری آنقدر «شورا» را «بی نمک!» میکنند که می‌گوید: داشتن «پارلمان» یعنی «پارلمان‌تاریسم» یعنی «رفورمیسم» یعنی وصله و پینه کردن یک نظام پوسیده و وارفته! در حالی که منظور از «شورا» این است که در کارها و برنامه‌های اجتماعی و قوانین جمهوری اسلامی از طریق مشاوره با نمایندگان برگزیده ملت، آن چنان پیش برویم که دیگر مجالی برای پیدایش و رشد استکبار پیدان نشود و یکبار دیگر مردم مسلمان و محروم ایران به زنجیر استضعاف کشانده نشوند.

موفقیت در این راه مشروط است به حسن نیت و خیر خواهی و آگاهی همه مسئولین امور و بیداری انسانهای مستضعف! مسلم است که حرفهای ضد و نقیض، به ضمیمه تهدیدها و ارعابها، در روحیه مردم مستضعف اثر می‌گذارد و احياناً «آنها را به بی‌تفاوتی و بی‌اعتنائی سوق میدهد و اگر - هر چه زودتر - از تاثیر انقلاب، در تأمین کار و مسکن و تعدیل درآمدها و ثروتها و رفع نیازها مطابق معیارهای اسلامی اثری مشاهده نکنند، گرفتار باس و نومیدی میشوند و همانوقت،

اول فاجعه است |

ضد انقلاب از «شیخ مخوف لائیزیس»
از «آخوندیسیم» از «فاشیسم مذهبی»
از «کودتا» و... سخن می گوید .
انقلاب ، از نو سازی ، تأمین آزادی
احزاب و مطبوعات ، پاکسازی در دستگاههای
دولتی احیاء کشاورزی ، رفع بیکاری ،
تأمین بهداشت و آموزش و پرورش برای
همگان و... سخن میگوید .
اولی پیروزی مستکبران است و دومی
غلبه و فتح مستضعفان |

مدد های غیبی

وظیفه همه ماست که ثابت کنیم راه
انقلاب ، راه زدودن همه « ایسم » های
موحش و انحصار طلبانه است . راهی
است که خلق مستضعف را به همه ایده های
انسانی و الهی نزدیک میسازد .
حدود یکسال پیش یکی از نشریات
نوشت: «دیگ حوادث در کشور ما سخت
می جوشد و هنوز بسی چیزها در این دیگ
خام و ناپخته است و لذا هنوز حوادث
بسیاری در پیش است ولی حزب ما ، با
وجود نگرانیهای جدی که از فعالیت ضد
انقلاب ، در جامه های «چپ» و «راست»
دارد و با آنکه به خطرات گوناگون از سمت
راست و از چپ بیدایش اعوجاجها ، به پیش

آمدن دورانهای غیر مترقب منفی ، ابد آکم
بهانمیدهد ، در مجموع ، باخوش بینی به آینده
انقلاب مینگرد (۱)

اکنون با گذشتن حدود یکسال ، خیلی
از چیزها در دیگ حوادث کشور ما پخته
شده و کم و بیش از فاز تخریب و انتقال
گذشته و به فاز «نوسازی» رسیده ایم .
اکنون همه اعوجاجها ، برای مردم شناخته
شده ، نه به چپ امید دارند نه به راست
بلکه امید همه به خداست ، به مکتبی که
زیر بنا و عامل ذهنی وایدئولوژیک قیام
آنها بوده است .

مردم مستضعف و مسلمان مملکت ما
هر چه توان و نیرو داشته اند در راه پیروزی
این انقلاب به کار انداخته و معتقدند که
بنا به ضرب المثل معروف: «از ما حرکت ،
از خدا برکت !» باید از عالم غیب و از
آسمان ، مددی برسد تا خون شهیدان
بایمال نشود و مسیر تاریخ در جهت منافع
مستکبران نباشد و و قیامها و جنبش های آزادی
خواهانه ، کاخ بیدادگران را درهم بکوبد
و حقوق از دست رفته گرسنگان و زحمتکشان
تأمین گردد و انتقام مظلومان از ظالمان
گرفته شود و دود آه ستندیدگان ، نصای
زندگی منحوس ستمگران را تیره و تار
گرداند .

ما - بر حسب مبانی قرآنی - بر همه

لین خواسته‌ها و معتقدات، صحه می‌گذاریم و آینده انقلاب را همچون گذشته آن، روشن و امیدوار کننده می‌نگریم. لکن برای اینکه این امیدها به یأس مبدل نشود و برای اینکه یکبار دیگر فاجعه تکرار نگردد، می‌خواهیم در این زمینه، یک شناخت قرآنی بدست بدهیم و نقطه‌های ضعف خود را با الهام از قرآن بر طرف کنیم تا شایستگی آن مدد غیبی و آسمانی را داشته باشیم.

شرایط و اسباب پیروزی مستضعفان

همانطوریکه در نوشتارهای پیش‌اشاره کرده‌ایم قرآن کریم پس از اشاره به داستان استکبار و استضعاف فرعون و پیریشان حالی بنی اسرائیل، بزرگترین روزنه امید را بر روی مستضعفان گشوده، چنین می‌گوید:

و نریدان نم‌ن علی‌الدین استضعفوا
فی الارض و نجعلهم
الوارثین (تقصص ۵)

اینجا دیگر نیازی به ترجمه این آیه نداریم. فقط توجه خواننده را باین نکته جلب می‌کنیم که هر چهار فعل: «نرید» و «نم‌ن» و «نجعل» که دوبار تکرار شده بصورت «متکلم مع الغیر» (یا اول شخص جمع) بکار رفته است.

هرگاه خداوند کاری را به ضمیر اول شخص جمع «استاد دهد و بگوید: ما چنین کردیم یا چنان می‌کنیم، معلوم می‌شود افعال و واسطه‌هایی میان خداوند و آن کار وجود دارد.

در اینگونه موارد، اگر چه خداوند فاعل حقیقی است، ولی واسطه‌هایی در میان است که معلوم می‌شود سنت خداوند بر این است که آن کار، از طریق همان واسطه‌ها بانجام برسد. (۱)

البته ممکن است در همین گونه موارد هم ضمیر «اول شخص مفرد» به کار برود مانند:

وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون (ذاریات ۵۶)

نیا فریدم جن و انس را جز برای اینکه پرستش کنند.

در اینجا فعل «خلقت» را به صورت «متکلم واحده» (یا اول شخص مفرد) به کار برده و حال آنکه در بیشتر جاهای دیگر بصورت «متکلم مع الغیر» استعمال کرده است. علت این است که از یکطرف فاعل حقیقی خود اوست و از طرف دیگر چون به دنبال آن مساله «پرستش» مطرح است «پرستش» مخصوص ذات بی‌همتای

۱ - گاهی هم آوردن ضمیر اول شخص جمع صرفاً به منظور تعظیم و تکریم است. مثل: وما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان ... (انفال ۲۱) که در اینجا ضمیر «عبدنا» برای تعظیم و تکریم است.

اوست، از استعمال ضمیر «اول شخص جمع»
خودداری کرده است. چنانکه در جای دیگر
می گوید :

انسی انا الله لانه الا انا فاعبدي
و اقم الصلوة لذكري (طه ۱۳)

نظر باینکه در این آیه، صحبت از نیایش
و ذکر است ، پنج بار ضمیر اول شخص
بصورت مفرد به کار برده، می گوید: «من»
«منم» « خدا » جز « من » خدایی نیست
« مرا » نیایش کن و نماز را برای یاد « من »
به پای دار .

بنابر این هنگامی که در آیه مورد بحث
(سوره قصص آیه ۵) می گوید :

«اراده ما این است که بر مستضعفان
زمین منت گذاریم و آنها را امام گردانیم
و آنها را وارث کنیم» مقصود این است
که این کار ، مستقیماً و بلاواسطه ، از
خداوند سر نمی زند بلکه اوزمینها و اسباب

و شرایطی فراهم میکند که از طریق آنها
مستضعفان زمین به رهائی و آزادی و پیروزی
برسند .

حال ببینیم این زمینها و اسباب و
شرایط را چگونه فراهم میکند ؟

بنظر ما و مطابق تفسیری که در قرآن انجام
داده ایم ، این کار در پنج مرحله انجام
میهنبرد: (لازم نیست این پنج مرحله طولی
باشد)

۱- فراهم کردن زمینه آگاهی مستضعفان.

۲- فراهم کردن زمینه پیروزی مستضعفان.

۳- بسیج کردن و هماهنگ کردن نیرو-
های پراکنده .

۴- تشریح قوانین در جهت تأمین حقوق
مستضعفان .

۵- تداوم بخشیدن به کلیه زمینه های ضد
استکبار .

از : محمد علی - ضمیر

طلوع خورشید حق

عالمی را به تماشا ، سر بازار کشید
مهر از نور رخس سایه بدیوار کشید
خط بطلان بهمه گفته و بندار کشید
اندر این راه بسی جور زاغیوار کشید
آنکه پا بر سر نه گنبد دوار کشید
چونکه اندر دل خود نقش رخ یار کشید
برده ای از عظمت ، بر همه آثار کشید



شمس حق جلوه چو بر مشرق انوار کشید
برده از رخ چو گرفت آن خور عالم افروز
گشته روشنگر هستی و در آن ظلمت دهر
شام تاریک دلان شد بنده اش روشن
عقل کل ، مرد خرد ، راهبر عالمیان
اوست محبوب حق و مظهر اسماعلای
کعبه از حرمت آن قافله سالار اسم